



## سفر معصیت و اقسام آن

### با تأکید بر دیدگاه آیت الله موسوی جزایری

زینب سادات حسینی<sup>۱</sup>

#### چکیده

سفر عبارت است از خارج شدن از محل زندگی به قصد طی کردن مسافت معینی که باعث قصر نماز و افطار روزه می‌شود. از دیدگاه فقهی حکم سفر بسته به اهدافش، جهاد، کسب علم، سیاحت و تفریح، تجارت، ارتکاب جرم و معصیت و... به احکام خمسسه تکلیفی تقسیم می‌شود که هر یک احکام مختص به خود را شامل می‌شود. در زمان حاضر به دلیل حاکمیت فرهنگ لیبرالیسم و رواج آزادی فردی گناهان در همه ابعاد زندگی بشر شیوع پیدا کرده حتی بسیاری از سفرها با انگیزه و یا همراه با گناه صورت می‌گیرند. این امر تبیین مصادیق جدید سفر معصیت را در منابع فقه استدلالی می‌طلبد که پژوهش حاضر با هدف رفع این نیاز است. سفر حرام دو نوع است:

۱- سفرهایی که در اصل حرام هستند مانند سفر زوجه بدون اذن زوج.

۲- سفرهایی که خودش حرام نیست ولی به هدف کار حرامی صورت می‌گیرد مانند سفر با هدف کمک کردن به ظالم و ظلمش.

در این نوشتار سعی بر آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به مفهوم شناسی و اقسام سفر معصیت از منظر فقه با تأکید بر دیدگاه فقیه معصر آیت الله موسوی جزایری پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** سفر، سفر معصیت، فقه، آیت الله موسوی جزایری

<sup>۱</sup> کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان.



## مقدمه

سفر کردن از نیازهای فطری هر انسانی است. در قرآن و روایات نیز به مسافرت کردن تأکید شده است. سفر کردن فواید زیادی دارد و می‌تواند با اهداف مختلفی صورت بگیرد. این اهداف گاهی با طاعت الهی منافات ندارند و حتی می‌تواند در جهت طاعت خداوند متعال باشد و گاهی ممکن است با طاعت الهی مخالفت داشته باشد. مانند سفر کردن برای کمک کردن به ظالم و ظلمش. سفرهای قسم دوم، سفر معصیت هستند و احکام نماز و روزه در این سفرها با سفرهای دیگر متفاوت است. عاصی از هدیه تخفیف نماز و معافیت روزه در سفر محروم است. سفر معصیت یا حرام به عنوان یکی از شروط نماز مسافر در روایات و کتب فقه فتوایی و استدلالی بطور مفصل مطرح شده است مانند کتب اربعه حدیث شیعیه و جوامع حدیثی نظیر وسائل الشیعه حر عاملی، الوافی فیض کاشانی و نیز در کتب فقه استدلالی مانند جواهر الکلام نجفی و... و فقه فتوایی مانند تحریر الوسیله و... .

شناخت سفر معصیت بسیار مهم است زیرا مصادیق آن در عصر حاضر به دلیل حاکمیت یا تهاجم فرهنگ لیبرال زیاد شده است. مثلاً سفر برای مشاغل غیر مجاز در نظام اسلامی، مأموریت‌های سیاسی مخالف نظام اسلامی، سفر زن بدون اذن شوهر، سفر دختر بدون اذن پدر، سفر با دوست جنس مخالف یا برای دیدار او، سفر برای مأموریت‌های حرام مثل معاملات ربوی، استخدام یا تحصیل در شهرهای دور از والدین و بی‌توجهی به دل‌نگرانی‌های آنان، سفر برای تماشای سیرک و کنسرت و برنامه‌های لهو و... .

در این نوشتار برآن هستیم تا مفهوم و مصادیق سفر معصیت را از نظر فقها بویژه آیت الله جزایری بشناسیم زیرا ایشان از مراجع تقلید زنده عصر حاضر هستند و در سال ۱۳۹۱ این موضوع را در درس خارج خود بحث کرده اند لذا به مستحدثات سفر معصیت آگاهی دارند. همانطور فهم درس ایشان نسبت به دیگر فقها آسانتر بوده و مباحثشان به زبان فارسی در هشت جلسه تمام شده است. بر این اساس تحقیق حاضر در دامنه خود اثری نو به شمار می‌آید.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و اسنادی انجام گرفته و متضمن پاسخ به این پرسش‌هاست که مفهوم و مصادیق سفر معصیت چیست؟ و سفرهای گناه آلود معاصر تحت چه

مصادیقی قرار می‌گیرند. بر این اساس محورهای بحث عبارتند از: مفهوم شناسی و اقسام سفر، مفهوم سفر معصیت (حرام)، مصادیق سفر حرام.

## ۱- مفهوم شناسی

**سفر:** سفر عبارت است از خارج شدن از محل زندگی به قصد پیمودن مسافتی خاص که موجب قصر نماز و افطار روزه می‌شود. مقابل آن حضر قرار دارد.

### معصیت:

الف) معصیت مصدر میمی از عصى يعصى، در لغت به معنای مخالفت عمدی با امر است.

ب) معنای اصطلاحی: معصیت، مخالفت با امر خداوند است که شامل ارتکاب حرام یا ترک واجب می‌شود.

سفر معصیت یا حرام سفری است که با امر خداوند مخالف است و دو صورت دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

## ۲- انواع سفرها

### از جهت هدف

به دلیلی که اهداف سفر بسیار زیادند لذا نمی‌توان این سفرها را در تعداد معینی منحصر کرد اما بعضی از آنها عبارتند از: سفر برای کسب علم، سفر برای گردشگری و سیاحت، سفر برای دفاع از امت اسلامی، سفر حرام و معصیت و... .

### از جهت حکم شرعی

سفر از جهت حکم شرعی موضوع احکام خمسسه تکلیفیه قرار می‌گیرد، لذا به پنج قسم تقسیم می‌شود: سفر واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح که هر یک به شرح ذیل می‌باشد:

الف) سفر واجب: سفری است که با نذر، قسم یا عهد واجب می‌شود. همچنین است اگر به جا آوردن واجبی همچون حج منوط به سفر باشد.





ب) سفر حرام: سفر حرام دو صورت دارد، زیرا حرمت سفر یا به خاطر خود سفر است مانند سفری که موجب اذیت و آزار پدر و مادر می‌شود و سفر زن بدون اذن شوهر در صورت منافات داشتن با حق او. یا اینکه حرمت سفر به خاطر رسیدن به هدف حرامی است هر چند که خود سفر در اصل جایز باشد مثل سفر کردن به قصد کشتن مسلمانی یا فروختن شراب. (خویی، ج ۸، ص ۱۰۷-۹۹)

ج) سفر مستحب: سفری است که انجام دادن یک عمل مستحبی منوط به آن است. مانند سفر به خاطر به جا آوردن حج مستحب یا زیارت مشاهد مشرفه. (نجفی، بی تا، ۲۵۷)

د) سفر مکروه: سفر کردن در اوقات و موارد زیر مکروه است: سفر بعد از طلوع فجر روز جمعه تا زوال، (ابن زهره، بی تا، ۳۸۴) قبل از به جا آوردن نماز عید به فرض استحباب آن (کلینی، بی تا، ۱۵۵) سفر کردن به تنهایی (علامه حلی، بی تا، ۵۷۳) از آغاز ماه رمضان تا بیست و سوم ماه (طوسی، ج ۱، ۲۸۴) در روز دوشنبه (ابن ادریس، بی تا، ۶۷۴) در زمانی که برج عقرب باشد (یحیی بن سعید، بی تا، ۴۵۳) و سفر دریایی به ویژه برای تجارت. (شهید اول، ج ۴، ۳۳۸)

ه) سفر مباح: سفری است که مصداق هیچ یک از سفرهای چهارگانه ذکر شده نباشد. مانند سفر به قصد گردش و تفریح، سفر زمینی به قصد تجارت (نجفی، ج ۱۴، ۲۵۷) سفر به قصد شکار برای تهیه آذوقه خانواده.

### مصادیق سفر از دیدگاه فقهای معاصر

#### فتاوی برخی از مراجع عظام راجع به سفر معصیت:

۱. سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد، حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد: آیات عظام امام خمینی (ره)، سیستانی، بروجردی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی.

۲. کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهد، مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند. آیات عظام امام خمینی (ره)، سیستانی، بروجردی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی.

۳. اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند، مسافرت نماید، نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر

تواند بدهی خود را بدهد و مخصوصا برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر مخصوصا برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند. (آیت الله سیستانی، مکارم شیرازی) و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند. آیات عظام امام خمینی(ره)، بروجردی، صافی گلپایگانی.

۴. اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد، نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند. آیات عظام امام خمینی(ره)، بروجردی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی.

- اگر کسی با ماشین غصبی سفر کند نماز او شکسته است و احتیاط مستحب آن است که هم تمام و هم شکسته بخواند. آیت الله سبحانی.

- اگر در سفر حیوان سواری او یا مرکب دیگری که سوار اوست غصبی باشد و برای فرار از مالک مسافرت کرده باشد یا در زمین غصبی مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند. آیت الله سیستانی.

۵. کسی که با ظالم مسافرت می کند اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلا برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است. آیات عظام امام خمینی(ره)، بروجردی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، سیستانی.

۶. اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند. آیات عظام امام خمینی(ره)، سیستانی، سبحانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی.

۷. اگر برای لهو و خوشگذرانی به شکار برود، نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار برود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود، احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند ولی باید روزه نگیرد. آیات عظام امام خمینی(ره)، بروجردی، سبحانی، صافی گلپایگانی.

- اگر برای لهو و خوشگذرانی به سفر برود، نمازش در حال رفتن تمام است و در برگشتن قصر است در صورتی که به حد مسافت باشد و مانند رفتن برای شکار نباشد و چنانچه برای تهیه معاش به شکار برود نمازش شکسته است و همچنین است اگر برای کسب و زیاد کردن مال





برود. اگرچه در این صورت احتیاط آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند. آیت الله سیستانی.

-کسی که برای امرار معاش به شکار می‌رود سفرش حلال و نمازش شکسته است، همچنین اگر برای فراهم کردن درآمد بیشتر باشد، اما اگر کسی برای لهو و تفریح و خوشگذرانی به شکار می‌رود، سفرش حرام و نمازش را باید تمام بخواند. آیت الله مکارم شیرازی.

### مصادیق سفر معصیت از دیدگاه آیت الله جزایری

آیت الله جزایری در مورد نماز مسافر هشت شرط را بر می‌شمرند که مورد بحث ما یعنی سفر معصیت در شرط پنجم ایشان ذکر شده است. ایشان می‌فرماید: «شرط پنجم در نماز مسافر این است که آن سفر حرام نباشد.»

#### ۱- صور سفر حرام

ایشان سفر حرام از جانب ذاتی و غایت را به دو صورت می‌دانند و می‌فرمایند: سفر حرام دو صورت دارد و در هر دو صورت نماز تمام است. یک صورت اینکه نفس خود سفر، حرام است. صورت دوم اینکه خود سفر فی نفسه حرام نیست بلکه غایت و هدف آن، حرام است. در ادامه برای هر صورت نمونه‌هایی ذکر می‌کنند.

**الف) مثال‌های صورت اول:** که نفس سفر، حرام است عبارتند از: فرار از جنگ که خود فرار و رفتن، حرام می‌باشد. سفر زوجه بدون اذن زوج در غیر عمل واجب که نفس سفر زوجه اگر بدون اجازه زوج باشد حرام است. همچنین نفس سفر فرزند با نهی والدین در غیر سفر واجب بنا بر مشهور، حرام است.

ایشان یک مورد استثناء از فتوای مشهور را درباره سفر با نهی والدین ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: آیت الله خوئی در مورد مثال آخر فرموده‌اند: این مثال کلیت ندارد زیرا طبق نظر ایشان فقط اذیت شدن والدین حرام می‌باشد. بنابراین اگر نهی والدین از ته دل نباشد و با رفتن فرزند اذیت نشوند چنین سفری حرام نیست. پس ایشان حکم را دائر مدار ایذاء قرار داده و فرموده‌اند سفر فرزند در صورت اذیت شدن والدین، حرام است و در غیر اینصورت، حرام نمی‌باشد.

البته سفر واجب مثل حج واجب، احتیاجی به اجازه والدین ندارد و در صورتی که والدین از چنین سفری منع کنند، نهی آنها باطل است.

مثال دیگر برای سفر حرام، سفری است که نفس آن برای بدن مضر باشد، زیرا ضرر رساندن به بدن حرام می‌باشد. همچنین سفری که ترک آن، بهتر و انجام آن مکروه باشد و انسان نذر کند که به آن سفر نرود، در اینصورت چنین نذری واجب و نفس رفتن او به این سفر، حرام است.

**ب) مثال‌های صورت دوم:** سفر حرام، که غایت و هدف از سفر، عمل حرامی است، عبارتند از: سفر کردن برای کشتن نفس محترمه یا سفر کردن برای دزدی یا زنا یا کمک کردن به ظالم یا سفر کردن برای اخذ مال مردم به ظلم و زور. اما در صورتی که در بین سفر، عمل حرامی مثل غیبت کردن و شرب خمر از انسان سر بزند، بدون اینکه هدف او از ابتدای سفر، انجام آن عمل حرام باشد، چنین عملی موجب تمام شدن نماز او در این سفر نمی‌شود، بلکه سفر او صحیح است و نمازش شکسته می‌شود و باید روزه خود را افطار کند.

مثال‌هایی که ایشان ذکر کرده‌اند متأسفانه در زمان حاضر در بسیاری از کشورهای مسلمان شیوع دارد.

در ادامه بجاست که نگاهی به ادله نماز و روزه مسافر از نگاه ایشان بکنیم.

## ۲- بررسی روایات داله بر تمام بودن نماز در سفر حرام:

روایات زیادی در این باب وارد شده است که به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم. از جمله روایاتی که در این باب وارد شده است، روایت صدوق است که عبارت است از «ما رواه الصدوق باسناده عن الحسن بن محبوب عن ابی ایوب عن عمار بن مروان عن ابی عبدالله علیه السلام، قال سمعته یقول: من سافر قصر و أفطر إلّا أن یكون رجلاً سفره إلى صیدٍ أو فی معصیه الله أو رسول لمن یعصی الله أو فی طلب عدو أو شحناء أو سعایه أو ضرر علی قومٍ من المسلمین». (نوری، ج ۸، ۴۷۶) با توجه به این روایت، سفری که برای عمل حرامی صورت گیرد، موجب شکسته شدن نماز نمی‌شود و همچنین اگر سفری فی نفسه حرام باشد به طریق اولی نماز تمام است.

ایشان در خصوص مورد صید کلیتش را با هدف ارتزاق تخصیص می‌زنند و می‌فرمایند: «البته سفر صید که در این روایت ذکر شده، کلیت ندارد و قطعاً شامل صید برای ارتزاق خانواده





نمی‌شود. اما صیدهای دیگر مثل صید لَهوی یا صید برای تجارت محل اشکال هستند». اما به دلیلی که امام خمینی (ره) اجمالاً کلیت را پذیرفته‌اند، نظرشان را نقل می‌کند و می‌فرمایند: مرحوم امام (ره) نسبت به این صورت اشکال کرده و فرموده‌اند: «چنین شخصی احتیاطاً باید نمازش را تمام یا به صورت جمع بخواند.» از نظر ایشان روایت بالا قابل استناد است و می‌فرمایند: این روایت بطور قطع صحیح السند است و می‌توان به آن استناد نمود و شامل هر دو صورت سفر حرام می‌باشد. زیرا می‌فرماید: «أَوْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ» که مراد از آن سفری است که نفس سفر، حرام می‌باشد. همچنین می‌فرماید در سفری که برای سعایه یا ضرر زدن بر قومی از مسلمین باشد نیز نماز تمام است که مراد از آن، سفری است که غایتش حرام می‌باشد.

دلیل دیگر که در این مسأله به آن استناد کرده‌اند، موثقه سماعه است که می‌فرماید: «قال سألتُه عن المسافر... و من سافر قصر الصلاة و أفطر إلا أن يكون رجلاً مشيعاً لسلطان الجائر أو خرج إلى صيد أو إلى قرية له تكون مسيره يوم بييت إلى أهله لا يقصر و لا يفطر» (نوری، ج ۸، ۴۷۷) این روایت نیز دلالت بر تمام بودن نماز در سفری که اهداف و غایات حرام در آن وجود دارد، می‌کند.

### ۳- بررسی مصادیق سفر حرام در صورتی که نفس سفر، حرام باشد:

در این مسأله، فقها پیرامون مصادیق سفر حرام بحث نکرده و بررسی هر کدام را به محل خودش واگذار کرده‌اند.

#### الف. سفر زوجه بدون اذن زوج

به عنوان مثال سفر زوجه بدون اذن زوج و اینکه آیا زوجه برای سفرش باید از زوج اجازه بگیرد یا خیر، در کتاب النکاح مورد بحث قرار گرفته‌اند. فتوای مشهور در این مسأله، وجوب اذن گرفتن زوجه از زوج می‌باشد، محقق خویی این مسأله را در همین جا مطرح کرده و می‌فرماید: «ادله از اثبات این حکم قاصر هستند و حرمت سفر زوجه بدون اجازه زوج کلیت ندارد بلکه سفر زوجه در صورتی که مصداق نشوز باشد یا اینکه اسباب فتنه‌ای شود، حرام است». نشوز یعنی عدم تمکین از استمتاعاتی که مقتضای حق زوجیت است. مثلاً اگر زوجه بخواهد به سفری برود که از لحاظ شرعی مشکلی ندارد ولی دسترسی به زوج ندارد که از او اجازه بگیرد، نمی‌توان گفت که چنین سفری حرام است. بنابراین ایشان می‌فرمایند سفر زوجه بدون اذن زوج فقط در صورتی



حرام است که مصداق عناوین دیگر حرام مثل نشوز باشد. البته در سفر واجب مثل حج بالاجماع اجازه زوج لازم نیست و نهی او از این سفر، باطل است.

### ب. سفر فرزند با نهی والدین

مثال دیگری که مطرح شده، سفر فرزند با نهی والدین است. محقق خوئی (ره) آن چیزی که در ادله ثابت است، حرمت آزار و اذیت می‌باشد. خداون متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «... فلا تقل لهما أفٌ ولا تنهرهما وقل لهما قولاً كريماً. واخفض لهما جناح الذلّ من الرحمة وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً» (اسراء/۲۳-۲۴) این آیه دلالت می‌کند بر این که گفتن اف که آزار ضعیفی است، منهی عنه می‌باشد. لذا به طریق اولی، اذیت‌های بیشتر قطعاً حرام می‌باشند. بنابراین ایشان می‌فرمایند: «صرف نهی در صورتی که همراه با ایذاء نباشد، موجب حرمت نمی‌شود و دلیلی بر اطاعت والدین در هر امری نداریم. فقط در صورتی اطاعت کردن از آنها واجب است که اطاعت نکردن آنها مستلزم اذیت و آزار آنها باشد.»

سید محسن حکیم (ره) در این باره می‌فرماید: «امر و نهی والدین دو صورت دارد. اگر امر و نهی والدین به خاطر مصلحت و منافع خودشان باشد، لازم الإطاعه نیست ولی اگر به خاطر رعایت مصالح ولد باشد لازم الإطاعه می‌باشد.»

### ج. سفر باعث ضرر رساندن به بدن باشد

مثال دیگر جایی است که سفر، باعث ضرر رساندن به بدن باشد. چون مطابق فتوای مشهور ضرر رساندن به بدن، حرام می‌باشد.

آیت الله خوئی در این مثال هم مخالفت کرده و می‌فرماید: «این مصداق نیز کلیت ندارند و ما دلیلی بر حرمت اضرار به نفس نداریم. بلکه طبق آیه شریفه «ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكه» (بقره/۱۹۵) هر چیزی که عرفاً مصداق تهلکه است، حرام می‌باشد. مثل قتل نفس، قطع جوارح و کسی که إذهاب القوه کند که همگی مصداق تهلکه و حرام می‌باشند. إذهاب القوه یعنی انسان کاری کند که مثلاً قوه باصره او از بین برود و کور شود یا اینکه قوه ناطقه او از بین برود و قدرت تکلم خود را از دست بدهد ولو اینکه چشم یا زبان او از بین نرفته باشند. اما اگر کسی کاری کند که ضرر جزئی به نفسش وارد شود، مثلاً سرما بخورد یا تب کند، دلیلی بر حرمت چنین اضراری وجود ندارد.» فرموده محقق خوئی (ره) صحیح می‌باشد و اضرار جزئی حرام نیست و گرنه لازم





می‌آید هر کاری که باعث صدمه جزئی به بدن باشد، مثل سینه زنی یا زنجیرزنی برای ائمه (ع) نیز حرام باشد، پس فقط ضررهای بزرگ به نفس، حرام می‌باشد و نسبت به ضررهای جزئی دلیلی بر حرمت وجود ندارد.

### د. سفر مرجوح ذاتی

مثال دیگر برای سفر حرام، سفری است که فی نفسه مرجوح است و ترک آن رجحان دارد و انسان نیز نذر می‌کند که آن سفر را ترک کند. در این صورت رفتن به آن سفر، از جهت نذر بر ترک آن، حرام است و نماز او در این سفر، تمام می‌باشد.

### ۴- در صورتی که غایت سفر، حرام باشد:

در صورتی که ذات سفر، حرام نباشد بلکه غایت و هدف از آن سفر، فعل حرامی باشد، باز هم نماز تمام است. از جمله مصادیق چنین سفری، سفر برای قتل نفس محترمه یا سفر برای سرقت یا زنا یا سفر برای یاری ظالم باشد. در ادامه نظر ایشان را درباره دو مورد توضیح می‌دهیم.

### الف. یاری ظالم

برخی از علما پیرامون جایی که سفر برای یاری ظالم باشد حاشیه زده و فرموده‌اند سفر برای یاری ظالم در صورتی که یاری او در ظلمش محسوب شود، موجب تمام بودن نماز می‌شود نه به صورت مطلق. اما در قرآن کریم می‌فرماید: «و لا ترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار» (هود/۱۱۳) «رکون» به معنای «آدنی المیل» می‌باشد. یعنی نباید نسبت به ظالم کمترین میل و علاقه‌ای از خودتان نشان دهید. این تعبیر، اطلاق دارد. همچنین ادله و روایاتی که مربوط به یاری ظلمه هستند، بسیار زیاد می‌باشند و از همه آنها نیز اطلاق استفاده می‌شود. لذا احتیاط در ترک یاری ظالمان به صورت مطلق می‌باشد. همچنین اگر کسی بخواهد در سفری، مال مردم را به صورت ظالمانه بگیرد، قطعاً سفر او حرام است.

### ب. سفر برای صید و بررسی صور مختلف آن

در سفری که برای صید و شکار کردن باشد سه صورت بیان شده است. صورت اول اینکه صید برای ارتزاق مسافر و عیالش باشد. صورت دوم اینکه صید برای تجارت و درآمد باشد. صورت سوم، صید لاهی است که یک تفریح ناسالم می‌باشد.

در صورتی که صید لَهوی باشد، به یقین نماز و روزه در سفر آن صید تمام است. چون قدر متیقن از روایاتی که دلالت بر تمام بودن نماز و روزه در سفر صید می‌کنند، صید لَهوی می‌باشد. بحث دیگری که علاوه بر حکم نماز و روزه در این صورت مطرح می‌شود این است که آیا صید لَهوی حرام است؟ اگر حرام باشد تمام بودن نماز و روزه مسافری که برای صید لَهوی به سفر می‌رود، طبق قاعده است. اما اگر حرام نباشد، تمام بودن نماز و روزه یک حکم تبعیدی است. مشهور این است که صید لَهوی، جزء انواع لَهو محرم می‌باشد. به غیر از مقدس کاظمی کسی با این حکم، مخالفت نکرده است. ایشان می‌فرماید دلیلی بر حرمت صید لَهوی نداریم و دلیلی که آمده فقط بر تمام بودن نماز دلالت می‌کند که این یک حکم تبعیدی می‌باشد. همچنانکه بسیاری از انواع تفریح و ورزش و سرگرمی، حرام نمی‌باشند و اسلام با سرگرمی مردم که به آن لَهو نیز گفته می‌شود، مخالف نیست مگر موارد خاصی که دلیلی بر حرمت آنها وارد شده است. مثل لَهو با قمار و استماع غنا. پس صرف لَهوی بودن فعلی موجب حرمت آن نمی‌شود.

روایاتی وجود دارد که علاوه بر تمام بودن نماز در سفری که برای صید لَهوی است، دلالت بر حرمت صید لَهوی نیز می‌کند. از جمله این روایات، موثقه عبید بن زراره است که هم سند آن معتبر است و هم دلالتش خوب است. این روایت می‌فرماید: «قال سألتُ أبا عبدالله (ع) عن الرجل يخرج إلى الصيدِ يُقَصِّرُ أو يُتِمُّ؟ قال: يُتِمُّ لَأَنَّهُ لَيْسَ بِمَسِيرٍ حَقٌّ» (نوری، ج ۸، ۴۷۹) در این روایت، امام علاوه بر این که حکم تمام بودن نماز را در سفر صید معین کرده اند، با تعلیلی که مطرح کرده و فرموده اند «لَأَنَّهُ لَيْسَ بِمَسِيرٍ حَقٌّ» به حرام بودن صید نیز اشاره کرده‌اند که قدر متیقن آن، صید لَهوی می‌باشد و معلوم می‌شود تمام بودن نماز در چنین سفری، از جهت حرمت صید و مقتضای قاعده است نه یک حکم تبعیدی صرف. زیرا وقتی مسیر حق نباشد، مسیر باطل است و مسیر باطل نیز به معنای حرمت و خلاف شرع می‌باشد. پس این روایت می‌تواند جواب به مقدس کاظمی بغدادی (ره) باشد.

### ج. حلیت صید و شکسته بودن نماز در صید برای ارتزاق

اگر انسان از جهت فقر و گرسنگی و برای سیر کردن خودش و خانواده اش، صیدی بکند این صید اشکالی ندارد و محرم نیست. چرا که عمل حلال و مسیر حقی است و نماز در چنین سفری شکسته است. در رابطه با صید دریایی، آیه قرآن داریم که می‌فرماید: «أَحْلَلْ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ»



(مآئده/۹۶) لذا صید بحر حتی در حال احرام نیز جایز می‌باشد و آن صیدی که در حال احرام جایز نیست صید برّی است. بنابراین اصل صید بما هو هو، عمل حلالی است و در صورتی که از آن ارادهٔ لهو شود، حرام است.

#### د. حلیت صید برای تجارت

در صورتی که صید برای تجارت و تکسب و درآمد باشد، چنین صیدی از جهت داخل بودن در عموم تجارت، قطعاً حلال می‌باشد و جزء مسیر باطل محسوب نمی‌شود.

#### ۵- سفر حرامی که غایت آن ترک واجب باشد:

این مسأله مربوط به جایی است که غایت سفر، فعل حرامی نباشد بلکه غایت سفر، ترک واجبی باشد. مانند فردی که دین بر گردنش باشد و طلبکارها نیز دینشان را طلب کنند. ادای چنین دینی، واجب فوری است و اگر او در این شرایط بخواهد به سفر برود، مرحوم سید(ره) می‌فرماید نسبت به تمام یا شکسته بودن نمازش تفصیل وجود دارد. یعنی اگر به خاطر فرار از دین و به هدف ترک واجب بخواهد به سفر برود، اقوی این است که نمازش تمام است. اما اگر هدف او از رفتن به سفر، امور مباح دیگری باشد که ربطی به فرار از دین ندارند اما در ضمن آن سفر، از دست طلبکارها نیز نجات پیدا می‌کند، در اینصورت نمازش شکسته است. این تفصیل، خوب است، چون ترک واجب فوری، معصیت خدا می‌باشد و تفاوتی با فعل حرام ندارد.

پس اگر فرار از دین، غایت سفر باشد، همانند جایی که فعل حرام، غایت سفر است، نماز تمام می‌باشد. به این دلیل که آن شخص اگر در حضر باشد، توانایی پرداختن و نپرداختن دین را دارد. اما با سفر رفتن، توانایی و امکان اداء دین را از خودش سلب می‌کند و سلب قدرت کردن انسان از خود نسبت به عمل واجب متعینی، جایز نیست، هرچند پس از سلب قدرت، تکلیف از او ساقط می‌شود. مانند کسی که توانایی طهارت با آب را داشته باشد، اما خودش آب را بریزد و قدرت نماز با طهارت آب را از خودش سلب کند. در این صورت هرچند پس از ریختن آب و عاجز شدن او از انجام طهارت با آب، تکلیف کردن او به عمل غیر مقدور، قبیح است لکن سلب قدرت کردن او از خودش موجب حرمت عمل و مستحق معصیت شدن او می‌شود.

## ۶- وجود مقارنات حرام در سفر

این مسأله زمانی است که خود سفر و عنوان دور شدن از وطن فی نفسه مباح است و هیچگونه عنوان حرامی مثل نذر بر ترک، بر آن منطبق نباشد. هدف و غایت از آن سفر نیز فعل حرامی مثل دزدی یا قتل نفس محترمه نباشد. ولی آن سفر مقارنات حرامی داشته باشد. مثلاً انسان در طول مسیر سفر بر مرکب غصبی سوار شده باشد یا اینکه در بین راه از زمین غصبی عبور کند. چنین سفری از مصادیق سفر حرام که موجب تمام بودن نماز می‌شود، نیست. زیرا موضوع تمام بودن نماز، یا غایت حرام داشتن سفر است یا حرام بودن نفس سفر که در اینجا هیچکدام از این دو صورت وجود ندارد، بلکه در این سفر، مقارناتی وجود دارد که حرام می‌باشند. مثلاً وقتی انسان سوار بر مرکب غصبی می‌شود، حرکتش مصداق غصب می‌باشد، زیرا چیزی که از ادله استفاده می‌شود، اتمام نماز در صورت حرمت سر بما هو سفر یا غایت حرام داشتن سفر است.

## ۷- حکم نماز شخص تابع از جائز و ظالم

کسی که از شخص جائری تبعیت می‌کند، اگر مجبور یا مکره باشد یا اینکه تبعیت او به خاطر یک مصلحت شرعی مثل نجات جان مسلمان یا خدمت دیگری که مجوز تبعیت از جائز است باشد، مثل علی بن یقظین که با اجازه امام کاظم (ع) در دربار هارون الرشید وزیر بود و در آن جایگاه خدمات بسیاری انجام می‌داد که اگر در آن جایگاه نبود، قادر بر انجام آن خدمات نبود.

در چنین مواردی نماز شخص تابع، شکسته است. زیرا عمل او حلال است و در حال انجام وظیفه‌اش می‌باشد. اما در صورتی که تابع، مجبور یا مکره نباشد و هدف صحیح‌ه‌ای نداشته باشد بلکه به اختیار از جائز تبعیت می‌کند و تبعیت او یاری در جور جائز محسوب شود، نماز او تمام می‌باشد چون یاری جائز بر جورش از اظهر مصادیق حرمت می‌باشد و این سفر قطعاً سفر حرام است.

## نتیجه گیری

در اسلام به سفر کردن تأکید زیادی شده است. سفر کردن می‌تواند با اهداف مختلفی انجام شود. سفر معصیت سفری است که با شریعت اسلام و طاعت الهی مخالفت می‌کند و دین اسلام رفتن به سفر معصیت را نهی کرده است. سفر معصیت دو صورت دارد. یا اینکه خود سفر فی نفسه



حرام است یا اینکه اصل سفر حرام نیست ولی به خاطر هدف حرامی انجام می‌پذیرد. احکام نماز و روزه در سفر معصیت با سایر سفرها متفاوت است.



## کتابنامه

\* قرآن کریم

۱. احمدی طباطبایی بروجردی، حسین، توضیح المسائل، ج ۱، محل انتشار تهران، تاریخ انتشار ۱۳۴۸ ش
۲. حسینی سیستانی، سید علی، توضیح المسائل، محل انتشار مشهد، ناشر دفتر آیت الله سیستانی، تاریخ انتشار ۱۳۹۳ ش
۳. حلبی ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، غنیه النزوع الی علمی الأصول والفروع، ج ۱، محل انتشار قم، ناشر موسسه امام صادق (ع)، تاریخ انتشار ۱۳۷۵ ش
۴. حلبی ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، محل انتشار قم، ناشر بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، سال انتشار ۱۳۸۷ ش
۵. حلبی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ج ۳، محل انتشار قم، ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال انتشار ۱۴۱۰ ق
۶. حلبی، علامه حسن بن یوسف مطهر اسدی، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۱، محل انتشار قم، ناشر موسسه امام صادق (ع)، سال انتشار ۱۴۲۰ ق
۷. الحلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، محل انتشار قم، ناشر موسسه سیدالشهدا، تاریخ انتشار ۱۴۰۵ ق
۸. سبحانی، جعفر، توضیح المسائل، محل انتشار مشهد، ناشر هاتف، تاریخ انتشار ۱۳۸۸ ش
۹. صافی گلپایگانی، علی، توضیح المسائل، محل انتشار قم، ناشر دفتر آیت الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، تاریخ انتشار ۱۳۷۷ ش
۱۰. طوسی ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۱، محل انتشار تهران، ناشر مکتب مرتضویه، تاریخ انتشار ۱۳۶۳ ش
۱۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۴، محل انتشار قم، ناشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، تاریخ انتشار ۱۳۷۷ ش
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، محل انتشار تهران، ناشر پیام عدالت، تاریخ انتشار ۱۳۸۸ ش



۱۳. موسوی جزائری، سید محمد علی درس خارج فقه، حوزه علمیه اهواز، سایت مدرسه فقاہت
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، محل انتشار تهران، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تاریخ انتشار ۱۳۹۲ ش
۱۵. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۴، مترجم قوچانی، عباس، محل انتشار بیروت، ناشر دار احیاء التراث العربی، تاریخ انتشار ۱۳۶۲ ش
۱۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مترجم موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۸، محل انتشار بیروت، ناشر موسسه آل البيت لاحیاء التراث، تاریخ انتشار ۱۴۰۸-۱۴۲۹ ق